

## حیا و عفاف را از فاطمه(س) بیاموزیم

بحث ما راجع به تربیت بود و گفته شد نخستین محیطی که به طور غالب انسان در آن ساخته می‌شود، محیط خانوادگی و رابطه تنگاتنگ پدر و مادر با فرزند است و در سه رابطه فرزند تربیت می‌شود؛ چه از نظر دیداری، چه شنیداری و چه کرداری...



### غیرت مؤمن

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ  
وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.  
رُؤْيَى عَنْ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ - :&#171;إِنَّ الْعَيْزَةَ مِنَ الْإِيمَانِ&#171;

بحث ما راجع به تربیت بود و گفته شد نخستین محیطی که به طور غالب انسان در آن ساخته می‌شود، محیط خانوادگی و رابطه تنگاتنگ پدر و مادر با فرزند است و در سه رابطه فرزند تربیت می‌شود؛ چه از نظر دیداری، چه شنیداری و چه کرداری. جلسه گذشته وارد این بحث شدم که آن چه در باب تربیت، نقش زیربنایی و اساسی دارد، مسأله &#171;حیا&#171;ست؛ یعنی پرده‌داری که در مقابل آن پرده‌داری است و حیا هم یک غریزه انسانی است؛ یعنی هر انسانی فطرتاً با حیاست و برتری انسان نسبت به دیگر حیوانات همین است.

سرانجام در پایان جلسه به روایاتی که وارد شده بود (که هم عامه داشتند، هم خاصه) در گفتار انبیا - یعنی بحث این نیست که یک پیغمبر بوده است، بلکه گویا همه پیامبران الهی این مطلب را داشتند - اشاره کردم که &#171;إِذَا لَمْ تَسْتَحْ فَاعْمَلْ مَا شِئْتَ&#171;؛ اگر حیا را از دست دادی، آنجاست که دست به هر جنایتی می‌زنی و روایتی از علی - علیه السلام - که می‌فرماید: &#171;أَلْحَيَاءُ يَصُدُّ عَنِ فِعْلِ الْقَبِيحِ&#171;؛ حیاست که مانع می‌شود انسان دستش آلوده به کار زشت شود؛ چه قبح شرعی باشد، چه قبح عقلی. بحث راجع به نخستین محیطی بود که انسان در آن محیط ساخته می‌شود که آن، محیط خانوادگی است و روزهای طفولیت که در این مقطع زمانی سریع در طفل اثر می‌کند؛ هم در بُعد دیداری، هم در بُعد شنیداری و هم در بُعد رفتاری و عمیق هم اثر می‌کند. جلسه گذشته بحث را در باب تربیت، بر این محور قرار دادم که آنچه نقش اساسی دارد، عبارت از عنصر &#171;حیا&#171;ست و در مقابل آن وقاحت است؛ آن پرده‌داری و این پرده‌داری است.

\* امر قرآن کریم به اجازه خواستن کودکان نابالغ هنگام ورود به خلوتگاه پدر و مادر در باب محیط خانوادگی درباره اطفال، می‌روم سراغ آیاتی که در قرآن هست.

در سورة نور است: &#171;يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَ أَذْنُكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَ الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَ مِّن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكُ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ. وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَلِكُ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ&#171;.

خطاب به مؤمنین است؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، باید مملوک‌های شما (چون مملوکات مَحْرَم بودند) و کودکان نابالغ شما در سه وقت اجازه وارد شدن بگیرند؛ یعنی هنگامی که می‌خواهند در اتاق‌های شما وارد شوند، شما را آگاه کنند. منظور کودکان نابالغ است!

### نخست: پیش از نماز صبح

دوم: هنگام نیمروز که جامه‌های خویش را می‌نهد

و سوم: پس از نماز عشا، یعنی وقتی که آماده خواب می‌شوید.

بعد می‌فرماید: &#171;ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ&#171;؛ اینها، سه وقت خلوت شماست. &#171;لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْ قَبْلِهِمْ&#171;؛ در غیر این سه وقت بر شما و آنها باکی نیست که بدون اجازه و آگاه ساختن، سرزده بر شما وارد شوند، چون آنها و شما با یکدیگر زیاد ارتباط دارید؛ این اشاره به رابطه تنگاتنگ درون خانه بین فرزند و پدر و مادر است.

در ادامه می‌فرماید: خداوند آیات را چنین بیان می‌کند، خداوند دانا و حکیم است. آیه بعد: &#171;وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنكُمْ الْحُلُمَ&#171;؛ چون کودکان شما به بلوغ رسیدند، باید مانند دیگران اجازه ورود بگیرند. دیگر بین آنها و دیگران فرقی نمی‌کند.

سه مطلب را که مربوط به بحث من است، می‌گویم؛ نخست: آیه شریفه می‌گوید: در سه نوبت فرزندان شما اگر بخواهند در اتاق‌های شما وارد شوند، اجازه بگیرند؛ این که من تعبیر به اتاق می‌کنم، به این جهت است که در آیات پیش می‌فرماید: &#171;يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ&#171;؛ که مسأله آگاه ساختن و اجازه گرفتن در وارد شدن است. &#171;حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا&#171;؛ یعنی شما سرزده وارد نشوید. در آیه

&#171; بیت؛ داریم، بیت آن هنگام به افاق اطلاق می‌شده؛ اما &#171;؛ دار؛ خانه است که صحن و حیاط دارد.

اجازه خواستن پیامبر اکرم(ص) هنگام ورود به خانه حضرت زهرا - سلام الله علیها آیه بعدی آن این است: &#171;؛ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ وَ إِنْ قِيلَ لَكُمْ ارجِعُوا فَارجِعُوا هُوَ أَزكى لَكُمْ؛ که پیغمبر اکرم خودشان هم به همین عمل می‌کردند که هیچ گاه سرزده وارد نمی‌شدند، این را هم شما زیاد شنیدید که حتی وقتی می‌خواست وارد خانه فرزندش یعنی یگانه دخترش بشود، می‌آمد درب خانه می‌ایستاد و می‌فرمود: &#171;؛ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الثَّوْبَةِ؛ اگر اجازه ورود می‌دادند، داخل می‌شد، اگر نه، بار دوم می‌فرمود، اگر اجازه ورود نمی‌دادند، بار سوم... اگر پیغمبر می‌دید اجازه نمی‌دهند، برمی‌گشت. سرزده وارد نمی‌شد؛ این آیه هم به همین شیوه اشاره می‌کند. عرض کردم اینکه تعبیر به افاق کردم برای آن این است که آیات پیش از آن بیوت دارد، مراد از &#171;؛ بیت؛ هم افاق است، ولی &#171;؛ دار؛ خانه است. جای این بحث‌ها اینجا نیست و من خیلی نمی‌خواهم طلبگی‌اش بکنم، می‌خواهم فقط به آن اندازه‌ای که مربوط به بحثم است، اشاره کنم.

امر قرآن کریم در این آیات به پدر و مادر است، نه فرزندان! اینجا سه نوبت برای وارد شدن فرزندان مطرح می‌کند: صبح، ظهر، شب. اما در اینجا این خطاب به بچه‌ها نیست، خطاب به بزرگ‌ترهاست، به پدر مادرهاست. می‌فرماید: &#171;؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا؛ ندارد یا أَيُّهَا الْأَطْفَالُ. ای پدرها و مادرها! بچه‌هایتان باید در سه نوبت که در افاق شما وارد می‌شوند، از شما اجازه بگیرند و شما را آگاه کنند که می‌خواهند وارد افاق شوند. سه نوبت چه وقت است؟ صبح، ظهر، شب. در اینجا شاید کسی بگوید آخر چرا؟ بچه‌هاست، آن هم بچه نابالغ (صریح آیه است: &#171;؛ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ؛ بچه‌های نابالغ شما، یعنی هنوز بالغ نشده است، او باید اجازه بگیرد و تو باید این روش تربیتی را به او بدهی).

می‌گوید چرا باید اجازه بگیرد؟ در آیه راجع به ظهر (در وسط روز) توضیح می‌دهد و پس از توضیح، صبح و شب آن را هم می‌فهمید، در وسط روز که راجع به ظهر است (&#171;؛ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ؛ این مربوط به ظهر است) چه می‌گوید؟ من اینجا یک توضیحی بدهم: این آیات در حجاز نازل شده و حجاز منطقه حاره (گرم) است. نیمروز که می‌شد وقتی اینها از سر کار برمی‌گشتند به خانه، چون هوا گرم بود چه می‌کردند؟ لباس رو را درمی‌آوردند و تخفیف می‌دادند، گرمشان بود. کأته نیمه‌عریان می‌شدند.

می‌گوید این سه وقت، اوقات خلوت شماس است؛ یعنی صبح پیش از نماز فجر که بلند می‌شوی، از کجا بلند می‌شوی؟ از درون بسترت بیرون می‌آیی. به تعبیر روز می‌گویم: هیچ‌گاه ما نشنیدیم کسی با لباس بیرون از منزل بخوابد. موقعی که از خواب بلند می‌شوی، از رختخواب می‌آیی تو نیمه‌عریانی یعنی لباس خواب تن تو است. پس از نماز عشا چه؟ چون آن موقع نماز عشا را که می‌خواندند، می‌رفتند در بستر که بخوابند. موقع خواب در لباس تخفیف می‌دهند. &#171;؛ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ؛ بچه‌های نابالغ در این سه موقعیت اگر بخوابند وارد شوند در افاق شما که خلوتگاه شماس است، باید به آنها یاد بدهی و تربیتش کنی که با اجازه و آگاه ساختن شما وارد بشوند. به در بزند و اجازه بگیرند، چون تو نیمه‌عریانی و در این حالت شما را نبیند.

عنت امر به اجازه خواستن: دریده نشدن حیای فرزندان چرا؟ اینها همه برای این بوده است که وقتی تو نیمه‌عریانی و او با این حال وارد شود، پرده حیای او دریده می‌شود. معمولاً در این حالت نیمه‌عریانی که آدم هست چه بسا یک سنخ اعمال قبیحه هم از او صادر بشود که قبح عقلی و عرفی و امثال اینها دارد. در جلسه پیش گفتم، نسبت به فرزندان شماها پرده‌داری را بیاموزید نه پرده‌داری را. این آیات همه در سوره نور است که مسأله عفت و عفاف را مطرح می‌کند؛ عفت را گفتم که شاخه حیاء است؛ که من بعداً در باب مسأله عفت وارد می‌شوم.

&#171;؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ همین کاری را که پیغمبر می‌کرد، درب خانه دخترش که می‌رسید، سلام می‌کرد و می‌فرمود: &#171;؛ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الثَّوْبَةِ؛ سرزده داخل نمی‌شد. &#171;؛ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ وَ إِنْ قِيلَ لَكُمْ ارجِعُوا فَارجِعُوا هُوَ أَزكى لَكُمْ؛ بدون اجازه وارد نشوید &#171;؛ وَ إِنْ قِيلَ لَكُمْ ارجِعُوا فَارجِعُوا؛ اگر به شما گفته شد بازگردید، باز گردید. الآن در یک حالی نیست که بتواند تو را ببیند.

بعد در آنجا وقتی یک سنخ احکام را مطرح می‌کند، در آخر حتی نسبت به آن کسانی را که در باب ازدواج امید ازدواج آنها نیست، مثل عجوزه‌ها (پیرزن‌ها)، می‌گوید: &#171;؛ وَ لَيْسَتَّغْفِرَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا؛ و کسانی که دیگر امید ازدواج برای آنها نیست عفاف بورزند. دارد روی عفت دور می‌زند &#171;؛ وَ لَيْسَتَّغْفِرَ؛ عفت را برای آن کسانی که دیگر عجوزه شده و دیگر امید اینکه او ازدواج کند، نیست. می‌گوید او هم عفت! هم از بچه عفت، هم از پیرزن عفت.

انتقاد از بی‌مبالاتی پدران و مادران در نوع پوشش خود و فرزندان بعد من می‌رسم به احکام، ولی این را به شما بگویم، اسلام بر محور پرده‌داری است که پرده‌داری امری است فطری برای انسان، امتیاز انسان از حیوانات است. روی این تکیه می‌کند، همسو با اوست. نکند یک کاری کنی آنچه را که من در نهاد او گذاشتم به عنوان ودیعه

الهیّه که حیاست، این پرده را تو پدر و مادر بدری! بچه نابالغ را می‌گوید. بالغ شد که هیچ! وای به حال آن کسانی که این بچه‌های نابالغ را نیمه‌عریان در ملاً عام بیاورند، وای به حالتان!

می‌گوید در خانه‌ات، در اتاقت که می‌خواهد بیاید - ای پدر، ای مادر - به او بگو وقتی خواست وارد شود، به درب بزند و اجازه بگیرد و سرزده وارد نشود. وای به حال تو ای پدر و مادرا! که - نعوذ بالله - خودت بخواهی اینگونه در ملاً عام بیایی، تو مسلمانی؟! تو دنباله‌رو فاطمه - سلام الله علیها - هستی؟! آیه خواندم برای تو، من اهل خطابه و شعار نیستم! می‌گوید اینها در این سه نوبت اجازه بگیرند. چون آن سه نوبت که در اتاقت هستی خلوتگاه تو است، نیمه‌عریانی. با لباس خواب هم تو را نبیند، پرده حیای او دریده می‌شود.

عنصر حیا در حضرت فاطمه زهرا - سلام الله علیها

همه شما شنیده‌اید دیگر و می‌دانید که پیغمبر اکرم(ص) راجع به حضرت زهرا - سلام الله علیها - فرمود: **171#&فاطمة بضعة منی**; فاطمه پاره تن من است. می‌دانید این را چه جاهایی گفته است؟ بیشتر مواردی که پیغمبر گفته است، **171#&این پاره تن من است**; کجا بوده است؟ در چه رابطه‌ای گفته است؟ این تعبیر متواتر است، عامّه و خاصّه نقل کرده‌اند، در این هیچ شبهه‌ای نیست، یک نفر شبهه نکرده که این را پیغمبر اکرم نگفته است، من چند مورد آن را می‌گویم:

بهترین زن‌ها کیست؟

نخست؛ داریم پیغمبر اکرم خودشان نشسته بودند و اصحابشان هم بودند، پرسید: **171#&ما هو خیر للنساء**; بهترین زن‌ها کیست؟ راوی می‌گوید: **171#&فلتم تدر ما تقول**; گفتیم نمی‌دانیم چه بگوییم، **171#&فصار علیّی إلى فاطمة فأخبرتها**؛ آنجا امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - رفت و وارد منزل شد و قضیه را گفت. گفت یک همچنین سؤال پیغمبر کرده همه در جواب آن مانده‌اند، زهرا - سلام الله علیها - گفت: بهترین زنان، آن زنی است که به مرد نامحرم نگاه نکند و مرد نامحرم هم او را نبیند.

علی (ع) برگشت، به پیغمبر جواب را گفت. پیغمبر رو کرد و گفت: **171#&فقال له: من علمک هذا**; بگو ببینم چه کسی این را به تو یاد داد؟ **171#&قال: فاطمة**; گفت: فاطمه. اینجا بود که پیغمبر فرمود: **171#&إنها بضعة منی**; یک مورد اینجا بود.

در روایت دیگری آمده است که علی - علیه السلام - فرمودند: **171#&قال لئنا رسول الله أي شيء خیر للمرأة فلم یجبه أحد منا فذكرت ذلك لفاطمة فقالت ما من شيء خیر للمرأة من أن لا تری رجلاً و لا یراها فذكرت ذلك لرسول الله فقال صدقت إنها بضعة منی**;

حجاب از مرد نابینا

دوم: روایت از امام هفتم (ع) است که این را شنیدید و شاید منبری‌ها برای شما نقل کرده باشند، من اینها را می‌گویم چون من در اینجا نکته دارم، یک شخص نابینایی آمد و اجازه گرفت که وارد بشود، و زهرا (س) بلافاصله رفت و پوشش بر تن کرد. ما می‌گوییم چادر.

هرچه بود. پیغمبر رو کرد به او و گفت: چرا رفتی چادر سرت کردی؟! اینکه نابینا است! البته این را پیغمبر عمداً گفت، برای اینکه این مطلب به من و تو برسد. (ای مادرها! توجه کنید) گفت این که تو را نمی‌بیند، **171#&فقالت إن لم یکن یرانی فإتی أراه و هو یشمّ الریح فقال رسول الله أشهد أنك بضعة منی**; زهرا - سلام الله علیها - عرضه داشت: او من را نمی‌بیند، ولی من که او را می‌بینم! او بوی من را استشمام می‌کند. من نشنیده‌ام که زهرا - علیها السلام - مثلاً آن موقع عطر زده بوده است. اینجا پیغمبر فرمود: من گواهی می‌دهم که تو پاره تن منی.

پوشاندن خود از نامحرم؛ نزدیک‌ترین حالات زن به پروردگار

سوم: پیغمبر اکرم راجع به زن از اصحابش پرسید و بعد گفت: **171#&متی تکون أدتی من رّیها**; در چه حالتی است که زن خیلی به پروردگارش نزدیک می‌شود؟ نزدیکترین جا به پروردگارش کجاست؟ قرب الی الله تعالی مراتب دارد، درجات دارد. آنجایی که خیلی نزدیک می‌شود به خدا کجاست؟ **171#&فلما سمعت فاطمة - سلام الله علیها - ذلک قالت: أدتی ما تکون أن تلزم فعرّ بیّتها**;

هنگامی که زهرا - سلام الله علیها - شنید با یک جمله کنایه‌ای فرمود: آن حالتی که خودش را از نامحرم می‌پوشاند، نزدیک‌ترین حالت به خداست. نه نماز! نه سجده! نه روزه! آن وقت می‌دانی پیغمبر چه گفت؟ **171#&فقال رسول الله إن فاطمة بضعة منی**؛ خیلی روایت داریم؛ من فقط این موارد را گفتم. کجاها گفت؟ در چه رابطه‌ای گفت؟ مربوط به چه خصوصیت او بود که پاره تن اوست؟ آنجایی را که پرده‌دار است نه پرده‌در.

احکام اسلام بر محور حیاست

من مقصدم این بود. ما بسیاری از احکامی که در شریعت داریم، چه در بُعد اجتماعی، چه در بُعد فردی بر محور حیاست. در بُعد اجتماعی و فردی مثال می‌زنم:

در بُعد اجتماعی: شما خیلی می‌گویید امر به معروف نهی از منکر، البته این روزها لقلقه زبان شده است، ولی عملاً خبری نیست.

شوخی هم می‌کنند، نمی‌خواهم حرف‌هایی را بزنم. این پرده‌داری است و پرده‌داری در سطح جامعه. اینکه نهی از منکر واجب است برای همین است. می‌خواهد پرده‌داری کند در جامعه؛ منکر، پرده‌داری است. جلوی پرده‌داری در جامعه را می‌خواهد بگیرد، می‌گوید نهی از منکر واجب است. چرا؟ چون پرده‌داری است در جامعه، پُرو کردن مردم نسبت به خداست، حریم الهی را شکستن است، حیای من الله را از بین بردن است، بیاورم در قالب اصطلاح، چون جلسه گذشته گفتم حیاء من الله، حیاء من الخلق، حیاء من النفس. بالاترین حیا، حیای من الله است. این می‌خواهد پرده‌داری کند. برای همین، اینجا نگاه کنید مسأله این است، دوباره حیا محوریت دارد، بحث پرده‌داری است و پرده‌داری است.

مثال در بعد فردی: غیبت حرام است؛ چرا؟ چون پرده‌داری است، عیب دیگران را فاش کردن و بازگو کردن حرام است. این پرده‌داری است. می‌گوید حرام است. باید پرده‌دار باشی نه پرده‌در.

حالا اگر خودش پرده خودش را درید، خودش سوا است؟ می‌گوید اینجا دیگر رهاش کن.

&#171#; قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): مَنْ أَلْقَى جِلْبَابَ الْحَيَاءِ فَلَا غِيْبَةَ لَهُ &#171#; کسی که خودش پرده حیا را کنار زد، اینجا غیبت او اشکال ندارد. حتی پیغمبر در روایت &#171#; جِلْبَابِ &#171#;، یعنی پرده مصرف می‌کند؛ یعنی خودش، خودش را بی‌آبرو کرده است.

نگاه کنید من برای نمونه گفتم، غالب احکام شرعیّه بر محور &#171#; حیا &#171#; است. من نمی‌خواهم وارد این بحث بشوم، این بحث خودش، بحث مفصلی است، چه فردی آن، چه اجتماعی آن، محور، حیا و پرده‌داری است و در مقابل پرده‌داری است که حرام است. پرده‌داری واجب و پرده‌داری حرام است.

وظیفه پدر و مادر شکوفا کردن عنصر حیا در فرزند است

حالا غرض این که: چون بحثم راجع به خانواده بود، پدر و مادر باید این غریزه انسانیّه‌ای را که در اوست، شکوفا کنند نه اینکه حیا را در بچه سرکوب کنند؛ بنابراین، آیه صریح اینها را می‌گوید. تا می‌گویی آخر این چه قیافه‌ای است که دختر بچه را بیرون آوردی، می‌گوید: هنوز تکلیف نشده است؛ تویی که مَحْرَمِ او هستی، قرآن می‌گوید بدون اجازه وارد نشود، آن وقت تو او را نیمه‌عریان آورده‌ای در ملاء عام؟ خاک بر سر شیطان - نعوذ بالله - خودت هم در کنار او همین گونه؟ - نعوذ بالله - گفتم نمی‌توانم من حرف بزنم، بدان که تو داری به او روش می‌دهی و تربیتش می‌کنی و او را بی‌حیا بار می‌آوری... .

منبع: پایگاه اطلاع رسانی آیه‌الله العظمی تهرانی